



سال هفتم • پاییز و زمستان ۱۴۰۰ • شماره ۱۵  
Biannual Journal of Islamic Psychology  
Vol. 7, No. 15, Autumn & Winter 2022

## عوامل و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری به‌منظور کاربرد در مشاوره: تحلیل مضمون

\* زینب بابایی

\*\* سمد ملازینل

\*\*\* محمدطیب صحرائی

\*\*\*\* معصومه اسمعیلی

### چکیده

امروزه موضوع تربیت اخلاقی در بحث‌های فردی و اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است چراکه از یک‌سو، نجات جوامع از بحران‌هایی مانند ازهم‌گسیختگی خانوادگی، خودکشی و اختلالات روانی درگرو اخلاق است و از سوی دیگر، برای رسیدن به جامعه‌ای اخلاقی، نیازمند تربیت انسانی‌هایی اخلاقی به‌عنوان واحدهای بنیادین جامعه‌ایم. علاوه بر این، در بحث‌های فردی نیز مسیر تکاملی انسان با هدف قرب الهی، جز با تربیت اخلاقی میسر نمی‌شود. از آنجاکه رویکردهای موجود دارای نگاه تک‌بعدی بوده و تناسبی با بافتار فرهنگ اسلامی ایران نداشته‌اند پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون به دنبال تبیین عوامل و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری به‌منظور کاربرد در عرصه مشاوره است. یافته‌های پژوهش نشان داد هدف تربیت اخلاقی، پرورش انسانی است که استعدادهای درونی او (عقلی، دینی، اخلاقی و زیبایی) به تعادل رشد کرده باشد. انسان متعادل در حوزه بینش، عقل بر جهلش، در گرایش، پاکدامنی بر شهواتش و در رفتار، شجاعت بر ترسش غلبه می‌کند. برای دستیابی به این هدف، عوامل فردی (بینش، گرایش و رفتار اخلاقی)، زمینه‌ای (ازدواج، کار و جهاد) و محیطی (اصلاح محیط عاطفی خانواده و الگودهی و الگوپذیری) تأثیرگذارند و از روش‌های پرورش استعدادهای عقلانی، خودشناسی و کرامت نفس و عادت‌سازی می‌توان بهره جست.

**واژگان کلیدی:** تربیت اخلاقی، شهید مطهری، مشاوره، تحلیل مضمون

\* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی [zbabei@ymail.com](mailto:zbabei@ymail.com)

\*\* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی

\*\*\* استاد گروه معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق [@](mailto:)

\*\*\*\* استاد گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی [@](mailto:)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

## مقدمه

تربیت دارای ساحت‌های متعدد جنسی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی است. تربیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین این ساحت‌ها و زیربنای سایر آن‌ها است. این جایگاه ویژه از آن جهت است که تربیت اخلاقی دربرگیرنده همه ابعاد شخصیت انسان و تمام مراحل رشد از کودکی تا سالمندی است و در هیچ دوره‌ای از زندگی انسان متوقف نمی‌شود یعنی نمی‌توان گفت این فرد به مرحله‌ای از رشد رسیده است که دیگر به تربیت اخلاقی نیاز ندارد (هاشمی، ۱۴۰۰). به عبارت دیگر، می‌توان گفت تربیت اخلاقی، به نوعی در انسان اعتدال ایجاد می‌کند و این تعادل موجب می‌شود که ابعاد دیگر تربیت انسان هم به تناسب رشد و پرورش یابند (کاظمی، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، از مسائل مهم جهان امروز، افزایش روزافزون خودکشی‌ها، ازدیاد اختلالات روانی، خشونت‌ها و ازهم‌گسیختگی خانوادگی و غیر آن است که می‌توان از آن‌ها به عنوان بحران‌های معنوی و اخلاقی در عصر حاضر یادکرد چراکه علت این بحران‌ها، نفی دین و معنویت است (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۷۹) و ریشه در رذایل اخلاقی و عدم آراستگی به فضایل اخلاقی دارد (بستان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۷)؛ بنابراین بشر، نیاز به اخلاقی همه‌جانبه و دارای مبنا دارد (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۲). در میان رویکردهای روان‌شناختی تربیت اخلاقی، سه رویکرد غالب؛ شناختی، یادگیری اجتماعی و روان تحلیلگری وجود دارد. رویکرد شناختی بر رشد و پرورش شناخت اخلاقی و بالا بردن آگاهی اخلاقی و ارزش‌های آن تأکید می‌کند. این رویکرد با پژوهش‌های پیاژه<sup>۱</sup> اوج گرفته و کلبِرگ<sup>۲</sup> آن را برای تبیین علمی مراحل رشد اخلاقی انسان وارد عرصه روان‌شناسی کرده است. رویکرد یادگیری اجتماعی نیز به نقش مهم الگوها و تقلید از آن‌ها در یادگیری انسان و رشد شناختی و اخلاقی او اشاره می‌کنند. در رویکرد روان تحلیلگری نیز که فروید<sup>۳</sup> آن را مطرح کرده بر نقش انگیزه‌ها و گرایش‌های ناآگاهانه و تأثیر آن‌ها بر رفتار تأکید شده است (داوودی، ۱۳۸۵). بنابراین می‌توان دریافت که هر رویکردی برای تربیت اخلاقی روش‌ها، عوامل و مراحل مختلفی را بیان می‌کند که ناشی از اختلاف در تعریف اخلاق به علت جهان‌بینی متفاوت (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۱۶) و دست گذاشتن روی یکی از خصلت‌های بشر برای تربیت اخلاقی است (همان، ص ۱۱۸).

1. Piaget, J

2. Kohlberg, L

3. Freud, S

آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که دین اسلام به‌عنوان مکتبی جامع به پرورش همه ابعاد جسمانی و روحانی و فردی و اجتماعی انسان و سه ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری توجهی ویژه داشته است. از سویی، با توجه به این که اسلام با نگرشی توحیدی، برای تربیت اخلاقی عوامل و روش‌های متفاوتی نسبت به رویکردهای غربی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، ارائه می‌کند، ضرورت دارد با تدوین عوامل و روش‌های تربیت اخلاقی فرزندان متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی در جهت ساختن جامعه‌ای اخلاقی گام برداشت. در میان اندیشمندان جهان اسلام دانشمندان فراوانی به مسئله تربیت اخلاقی پرداخته‌اند که برای نمونه می‌توان به دیدگاه‌های مصباح یزدی، علامه طباطبایی، شهید مطهری و شهید بهشتی اشاره کرد. تعریف تربیت اخلاقی از دیدگاه مصباح یزدی، برنامه‌ریزی برای رشد اخلاق در مرتبی در جهت مطلوب اسلام است. روش‌های تربیت اخلاقی از نظر علامه طباطبایی مواردی از قبیل اجرای عبودیت، احیای فطرت و رفع و پیشگیری است. ارکان تربیت اخلاقی از نظر شهید بهشتی، انگیزش، آموزش، التزام، توانایی در جهت عمل به اخلاق و جهت‌گیری است (هاشمی، ۱۴۰۰). در این میان، شهید مطهری صاحب‌نظری ژرف‌اندیش در حوزه‌های متعددی مانند فلسفه، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است و به همین دلیل تفکرات او در میان مسائل از گستردگی ویژه‌ای برخوردار است (حمله‌داری و موسوی‌زاده، ۱۳۹۹). وی همچنین در پرتو تعالیم انسان‌ساز اسلام در آثار خود به موضوع انسان و تربیت اخلاقی پرداخته است. نظریه اصلی انسان‌شناختی شهید مطهری «نظریه فطرت» است که آن را امّ المسائل معارف اسلامی معرفی می‌کند چراکه پذیرش و عدم پذیرش فطرت تأثیر زیادی در تمام مسائل مرتبط با انسان دارد (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۲۱) در تمایز تربیت و اخلاق در آثار شهید مطهری، تربیت به معنای «پرورش استعداد‌های درونی و به فعلیت درآوردن آن‌ها دانسته شده است» بنابراین تربیت انسان باید متناسب با فطریات (ویژگی‌های خاص انسان) صورت گیرد (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۴۳) و اخلاق به معنای «بازیافتن خود اصیل و واقعی یعنی همان من ملکوتی انسان، دانسته شده است» (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۱۳۷ و ۱۶۷)؛ بنابراین می‌توان دریافت که در آثار شهید مطهری ترکیب منحصر به فرد این دو جز به معنای شناخت و پرورش دادن استعداد‌های فطری انسان و فراهم کردن زمینه‌های رشد و به فعلیت درآوردن آن‌ها است که موجبات حکومت خود عالی و اصیل (فطرت) را بر خود دانی (غرایز)، فراهم می‌سازد.

ظرفیت آثار شهید مطهری برای تحقیق پیرامون تربیت اخلاقی سبب شده است تا در رشته‌های

مختلف به این مهم پرداخته شود. آن‌چنان‌که مدور، بهشتی و فرمینی‌فراهانی (۱۳۹۹) تلاش کرده‌اند تا مبانی تربیت اخلاقی را از نظریه انسان‌شناسی شهید مطهری استخراج کنند. همچنین جنابادی و جنابادی (۱۳۹۹)، وجوه تمایز اخلاق و تربیت و معیار اخلاقی زیستن از منظر شهید مطهری را بررسی کرده‌اند. با توجه به جستجوهای انجام‌شده در پایگاه‌های نمایه‌سازی مقالات این‌گونه به نظر می‌رسد که پیرامون آثار شهید مطهری در زمینه مضامین مرتبط با تربیت اخلاقی فرزندان در حوزه مشاوره و روان‌شناسی پژوهشی انجام نشده است. لذا این پژوهش با هدف مطالعه عمیق‌تر مضامین مرتبط با تربیت اخلاقی در آثار شهید مطهری و یکپارچه‌سازی مضامین در جهت معرفی عوامل و روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی برای پژوهشگران، مشاورین، روان‌شناسان و خانواده‌های علاقه‌مند به تربیت اخلاقی فرزندان با رویکرد اسلامی به انجام رسیده است. سؤالات پژوهش عبارت‌اند از: ۱. عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی فرزندان به‌منظور کاربرد در عرصه مشاوره چیست؟ ۲. روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی فرزندان به‌منظور کاربرد در عرصه مشاوره کدام‌اند؟

## روش

پژوهش پیش رو، تحقیقی کیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای - اسنادی بود. جامعه پژوهش، کلیه آثار شهید مطهری بود. از روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup>، جهت تجزیه و تحلیل عوامل و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری استفاده شد چراکه این روش فرایندی، برای تحلیل داده‌های متنی پراکنده و متنوع است و آن‌ها را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون<sup>۲</sup> و کلارک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، تحلیل مضمون ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که به علت عدم وابستگی به چهارچوب‌های نظری قبلی، از آن می‌توان در امور مختلفی استفاده کرد (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰). با توجه به اینکه مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (بویاتزیس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸) برای شناخت مضامین و الگوی داده‌ها این پژوهش، از روش استقرایی تحلیل مضمون که تنها مبتنی بر داده‌ها انجام می‌شود، استفاده شده

1. Thematic Analysis

2. Braun, V

3. Clarke, V

4. Boyatzis, R. E

است (پاتون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). مراحل تحلیل داده‌ها بر اساس فرایند سه‌مرحله‌ای تحلیل مضمون که کینگ<sup>۲</sup> و هاروکز<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۰ به آن اشاره کرده‌اند، شامل کدگذاری توصیفی، تفسیری و یکپارچه‌سازی، از طریق مضامین فراگیر است. در گام آشنایی با متن، پس از مکتوب کردن داده‌ها و مطالعه اولیه و مجدد داده‌ها به نوشتن ایده‌های اولیه اقدام شد. سپس برای ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری تفسیری، متن به بخش‌های کوچک‌تر تفکیک و کدگذاری ویژگی‌های جالب متن انجام شد. در جهت جستجو و شناخت مضامین، به استخراج مضامین از کدها و به پالایش و بازبینی مضامین پرداخته شد که خروجی این مرحله مضامین پایه بود. سپس در مرحله یکپارچه‌سازی، پس از مرتب کردن مضامین بر اساس جایگاه آن‌ها در شبکه مضمونی، در سطحی کلان‌تر مضامین پایه مشابه که قابلیت تشکیل مضامین فراگیرتری را داشتند گردآوری شد و مضامین سازمان‌دهنده را تشکیل داد و با تکرار این فرایند به مضامین فراگیر دست‌یافتیم. درنهایت، پس از تهیه جدول قالب‌های مضامین، شبکه مضامین به صورت نقشه شبکه تارنما رسم و مضامین برجسته هر یک از سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده شد که از این طریق، نتایج حاصل از متن برای خوانندگان تحقیق، روشن و فهمیدنی شد. مضامین فراگیر، عوامل و روش‌هایی از بررسی کتاب‌های شهید مطهری‌اند که برای تربیت اخلاقی فرزندان استنباط شده‌اند. به‌منظور دستیابی به معیار اعتمادپذیری<sup>۴</sup> که لینکلن<sup>۵</sup> و گوبا<sup>۶</sup> (۱۹۸۵) پیرامون قابلیت اعتماد و اتکا به نتایج پژوهش‌های پژوهش‌های کیفی مطرح کردند، به تحقق چهار معیار (باورپذیری<sup>۷</sup>؛ انتقال‌پذیری<sup>۸</sup>؛ وابستگی<sup>۹</sup>؛ تأیید پذیر بودن<sup>۱۰</sup>) توجه شده است. برای تحقق باورپذیری، تلاش شد نزدیک‌ترین کتاب‌ها به بحث تربیت اخلاقی انتخاب شود. علاوه بر اینکه روایی محتوا<sup>۱۱</sup> به تأیید پژوهشگران بینش‌مطهر رسید و به جملات و نوشته‌های شهید مطهری ارجاع دقیق داده و در داخل متن نیز گزارش شد. به‌منظور انتقال‌پذیری، تلاش شد تا روش انجام پژوهش به‌روشنی توضیح داده شود و برای



1. Patton, M. Q

2. King, N

3. Horrocks, C

4. Trustworthines

5. Lincoln, Y. S

6. Guba, E. G

7. Credibility

8. Transferability

9. Dependability

10. Conformability

11. Content Validity

اسناددهی معتبر، تمامی جملات بدون دخل و تصرف بیان شود. در جهت تحقق وابستگی نیز تلاش شد تا مراحل انجام تحقیق برای تمامی کتاب‌ها به صورتی واحد و همراه با قواعد مشخص انجام شود. در نهایت در راستای تأیید پذیری نیز تلاش شد تا نگرش‌های شخصی نگارنده از یافته‌ها و فرآیند انجام، دورنگه داشته شده و تفسیرهای ارائه‌شده به جملات عینی کتاب‌های اصلی بازگردد.

### یافته‌ها

با بررسی و مطالعه آثار شهید مطهری، مضامین به‌دست‌آمده شامل عوامل مؤثر و روش‌های تربیت اخلاقی فرزندان بود. عوامل مؤثر عبارت بود از عوامل فردی، زمینه‌ای و محیطی که مضامین سازمان‌دهنده در عوامل فردی به سه دسته عوامل اثرگذار در حوزه بینش، گرایش و رفتار اخلاقی طبقه‌بندی شده است. همچنین مضامین سازمان‌دهنده در عوامل زمینه‌ای در سه دسته ازدواج، کار و جهاد و در عوامل محیطی در دودسته اصلاح محیط عاطفی خانواده و الگوگیری و الگوپذیری قرار گرفته‌اند. مضامین سازمان‌دهنده در روش‌های اثرگذار بر تربیت فرزندان در سه دسته پرورش استعداد‌های عقلی، خودشناسی و کرامت نفس و عادت‌سازی یافت شده است. شایان توجه است که ضوابط مرتبط با نوشتار پژوهشی حاضر، امکان توضیح کامل تمامی مضامین استخراج‌شده را نداد و از سویی فهرست داده‌ها به‌تنهایی تصویری واضحی از نحوه رسیدن از متون خام به عوامل و روش‌های تربیت اخلاقی فرزندان را در مکتوبات شهید مطهری نمی‌دهد بنابراین از توضیح کامل تمامی مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با هریک از مضامین فراگیر با طبقه‌بندی جدا، اجتناب کرده و تنها به ذکر چند نمونه در قالب مضامین عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی در جدول ۱، روش‌های تربیت اخلاقی فرزندان در جدول ۲، عوامل و روش‌های مؤثر تربیت اخلاقی فرزندان در نمودار ۱، مضامین فراگیر استخراج‌شده از متون در شکل ۱ و شبکه مضامین در شکل ۲، اکتفا می‌شود.

جدول ۱: مضامین عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی فرزندان

داده‌های اولیه	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
شرط اساسی تسلط بر سرنوشت خود و جامعه تفکر (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶). تفکر مفید شامل تفکر در تصمیمات و برنامه‌های انسان و تفکر در سرنوشت اقوام و ملل گذشته و اندیشیدن در طبیعت معرفی شده است (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق <small>علیه السلام</small> ، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱).	تفکر مفید	بینش اخلاقی	عوامل فردی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
تدبر و عاقبت‌اندیشی	انسان هر کاری که می‌خواهد درباره آن تصمیم بگیرد، فکر کند و بعد تصمیم بگیرد، به عکس العمل و لوازم آن فکر کند که این کار چه اثری به دنبال دارد و عاقبت آن چیست (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۷). انسان دوراندیشی و عاقبت‌اندیشی می‌کند و مصلحت‌ها و مفسده‌ها را می‌سنجد و اراده می‌کند آنچه عقل فرمان داده را انجام می‌دهد (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۵۵).	اخلاق چگونگی روح انسان است. اخلاق امری ثابت، مطلق، همگانی و همیشگی است و رفتار پیاده کردن آن روحیات در شرایط مختلف است. زمانی که مسئله جدیدی که انسان هیچ سابقه ذهنی ندارد به او عرضه شد فوراً بتواند اصول را به‌طور صحیح تطبیق کند و استنتاج نماید (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵ و ۱۰۹): بنابراین اینکه انسان رد فرع به اصل بکند و اصولی را تغییر و قواعد تازه ابداع کند، این خود نوعی ابتکار است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۰ و ۲۱).
حقیقت‌جویی	عاری از تعصب و غرور	باید به متعلم روح علمی یعنی روح حقیقت‌جویی عاری از تعصب و جمود و غرور و تکبر داد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۴۱).
خیرخواهی اجتماعی	گرایش‌های اخلاقی	خیرخواهی همان چیزی است که آن را اخلاق یا خیر اخلاقی می‌نامیم (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق <small>علیه السلام</small> ، ۱۳۸۹، ص ۲۸). انسان اخلاقی، انسانی است که از دایره خود پابرون گذاشته و به غیر خود رسیده است. در اسلام توسعه شخصیت به‌گونه‌ای است که شخصیت انسان با شخصیت همه عالم یکی شود و این شخصیت رقیق، لطیف و جهانی شود (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۴۹ و ۲۳۷).
گرایش به زیبایی معقول و معنوی	گرایش‌های اخلاقی	در انسان گرایش به زیادوستی و زیبایی‌آفرینی در زمینه‌های مختلفی وجود دارد. انسان می‌خواهد هاله‌ای از زیبایی تمام زندگی‌اش را در برگیرد. حس زیبایی و جمال در انسان منحصر و محدود به جمال حسی و زیبایی جسمانی نیست (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۸۳). علاوه بر این با در نظر گرفتن این‌گرایش در انسان باید گفت دل هم گاهی خسته می‌شود و احتیاج به استراحت دارد در این صورت دیگر فکرهای سنگین را به او تحمیل نکنید و ذوقیات و ادبیات و هنر را به او عرضه بدارید تا سرحال شود (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۴۴).



مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	داده‌های اولیه
عشق و پرستش آگاهانه	عشق و پرستش آگاهانه	عشق و پرستش آگاهانه	بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین حالت انسانی آن حالت پرستشی است که فرد به خود می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۸ ج، ص ۱۰۴). زمانی که می‌گوییم اخلاق از مقوله پرستش است منظور پرستش ناآگاهانه است یعنی قلب انسان به حسب فطرت، خدای خود را می‌شناسد و برحسب همان فطرت مطابق رضای او عمل می‌کند (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق <small>علیه السلام</small> ، ۱۳۸۹، ص ۶۸ و ۶۹)
رفتار اخلاقی	عاملیت با جدیت و تصمیم	عاملیت با جدیت و تصمیم	انسان در این جهان خودش باید خودش را بسازد و مکلف به این امر است (مطهری، ۱۳۹۸ ج، ص ۲۰۲). انسان به حق نتواند رسید مگر با جدیت و تصمیم (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱).
تقوا و تزکیه نفس با مشارطه و مراقبه	تقوا و تزکیه نفس با مشارطه و مراقبه	تقوا و تزکیه نفس با مشارطه و مراقبه	تقوا و تزکیه نفس از عواملی است که به اراده اخلاقی انسان قدرت و توانایی به‌کار بستن می‌دهد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵). تقوا خود نگهداری و همان ضبط نفس است (مطهری، ۳۹۸ الف، ص ۱۷). انسان همیشه باید حالش حال مراقبه باشد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۴۹).
ناکامی	ناکامی	ناکامی	اگر همیشه ملت‌ها در آسایش و رفاه باشند سست و بی‌اراده و ترسو می‌شوند و پس از گذشت چند نسل با کوچک‌ترین خطر به‌کلی از هم می‌پاشند (مطهری، ۱۳۹۸ ب، ص ۴۲).
آگاهی از وظایف و سهم گذاری در زندگی	آگاهی از وظایف و سهم گذاری در زندگی	آگاهی از وظایف و سهم گذاری در زندگی	تا وظایف را نیاموزیم نمی‌توانیم عمل کنیم (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۷). از نظر شخصیت اخلاقی هیچ فرقی بین زن و مرد نیست (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴) و در برخی امور دیگر از نظر کیفی با یکدیگر اختلاف دارند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶).
عوامل زمینه‌ای ازدواج	خروج از خود فردی و علاقه به سرنوشت دیگران	خروج از خود فردی و علاقه به سرنوشت دیگران	ازدواج با وجود اینکه پایه طبیعی و شهودانی دارد جنبه اخلاقی نیز دارد و در واقع دو نفر به شخصیت یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۶۶). ازدواج اولین مرحله خروج از خود فردی انسان است و نوعی علاقه‌مند شدن به سرنوشت دیگران است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸).



مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	داده‌های اولیه
حافظ سلامتی	کار		انسان موجودی چند کانونی است و کار برای همه بعدها ضروری است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۷۸). کار برای حفظ سلامتی انسان ضروری است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۷۷).
صمیمیت و صداقت سازنده	اصلاح محیط عاطفی خانواده	عوامل محیطی	انسان در عمل فکرش با قوانین عالم منطبق می‌شود و جلوی قساوت قلب را می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۸۳). جهاد به دو صورت است یک‌شکل آن شدایدی که فرد خود انتخاب می‌کند، مانند مبارزه کردن با انسان ضد انسان به خاطر انسانیت که خود نوعی علاقه به انسانیت و علاقه به بشریت است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۷۱) و یا واکنش به شدایدی که بدون اختیار و انتخاب انسان بر سرش می‌آید (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶). محیط خانوادگی بر اساس صفا، صمیمیت و صداقت است. زن و شوهر باید در نهایت صداقت و ایمان به یکدیگر زندگی کنند. در چنین شرایطی فرزندان نیز چنین ایمانی نسبت به مادر و پدرشان خواهند داشت (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۸۶). محبت عمیق و عاقلانه و منطقی نمی‌تواند محدود به خواست فرزند و زمان حال باشد بلکه باید آینده را هم در نظر گرفت (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۳۶). همه پیغمبران وسیله رساندن انسان به خدایند و صحبت هر کاملی بزرگ‌ترین عامل اصلاح و تربیت انسان است و تأثیر محبت اولیا به مراتب بیشتر از کارهای فکری است (مطهری، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۵). انسان تحت تأثیر انسان‌های دیگر قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۵۸) و در معاشرت‌های صمیمانه بدون اینکه بفهمد اثر پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۶۱). انسان باید در رفیق انتخاب داشته باشد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۷). انسان آن‌قدر وقت و فرصت ندارد که تمام کتاب‌های دنیا را مطالعه کند و باید انتخاب کند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶).
صمیمیت و صداقت سازنده اعتماد عاقلانه والدین	اصلاح محیط عاطفی خانواده	عوامل محیطی	جهاد در قالب جهاد خود انتخاب فرد یا واکنش او به حوادث سخت
محبت اولیا تغییردهنده انسان	اصلاح محیط عاطفی خانواده	عوامل محیطی	انتخاب دوستان یادآور خدا و فزاینده علم و ترغیب‌کننده بر عمل خیر انتخاب کتاب‌های اثرگذار



جدول ۲: مضامین روش‌های تربیت اخلاقی فرزندان

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
داده‌های اولیه	مضامین پایه	مضامین فراگیر
در تعلیم و تربیت باید مجال فکر کردن داده شود و به فکر کردن ترغیب شود (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۹). انواع تفکر شامل، تفکر در عالم خلقت که برای معرفت و شناسایی خدا و در واقع کشف عالم برای شناختن خدا است و تفکر در تاریخ و سرنوشت و سرگذشت اقوام و ملل گذشته که مایه‌های آموزشی بسیاری در آن‌ها است و تفکر انسان درباره خود؛ اینکه درباره کارهای خود و چگونه تصمیم گرفتن و کار کردن خود به فکر پردازد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۴ و ص ۲۵۵).	تشویق به تفکر در طبیعت و عقلمندی	روش‌ها
برای پرورش حقیقت‌جویی باید کاری کرد که طالب حقیقت بوده نه اینکه بگویند از حالا نباید فضول باشد و حق ندارد فکر و سؤال کند و جلوی او را بگیرند تا هر چه را به او یاد می‌دهند فقط یاد بگیرند (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۴۶).	امکان پرسش و سؤالات	
حضرت سه بار تکرار کرد: آیا اگر بگویم به کار می‌بندی؟ و این برای این بود که حضرت می‌خواست کاملاً او را برای آن حرفی که می‌خواهد بگوید آماده کند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۳۴ و ص ۳۵).	سنجش آمادگی قبل از پاسخ‌گویی	
عقل مستقل یعنی دارای قدرت نقد و انتقاد باشد و بتواند مسائل را تجزیه و تحلیل کند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۸۵) و نقد کردن یعنی خوبی‌ها را از بدی‌ها آن جدا کردن (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۳۴).	نقد و تجزیه و تحلیل استدلال برای قبول صحبت‌ها	
انسان واقعی آن است که قبول و ردش بر معیار دلیل باشد و هر جا دلیل نبود نمی‌داند بگوید (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۹۰).	درون‌نگری	خودشناسی و کرامت نفس
اگر بخواهید انسان را به اخلاق حسنه سوق دهند او را به درون‌نگری متوجه می‌کنند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۸).	عبادت بر مبنای محبت‌ورزی و انقطاع به ذات پروردگار	
در درجه اول در خودمان و فرزندانمان حس پرستش و عبادت به همان معنای واقعی پرورش دهیم (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۳۰). روح عبادت رابطه انسان و خدا و محبت‌ورزی به خدا و انقطاع به ذات پروردگار است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۲۲).		

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
توصیه	عادت‌سازی	چیزهایی که طبع به آن‌ها مایل نیست مثل عزت خواهی و شرافت خواهی و کرامت نفس خواهی باید با توصیه آن‌ها را تقویت کرد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۳۶).
تجربه عملی	برای کسب شجاعت و تمرین صبر	تا انسان مدت‌ها اعمال شجاعانه را تمرین نکند شجاع نمی‌شود (مطهری، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۱) صبر نیز شجاعت انسان و خویش‌داری است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۳). فعلی را که آفرین می‌طلبد اخلاقی می‌گویند. وقتی انسان مقداری نیکی دارد و بعد ببیند مردم نیکی‌های او را می‌شناسند همین خود عاملی است برای اینکه بدی را در وجود خود کم کند (مطهری، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۰ و ۴۲)
تشویق و تنبیه	عدالانه و آگاهانه	البته در مواردی خود محبت که ریشه‌اش قصد خیر و احسان داشتن است، عدم نرمی ایجاد می‌کند؛ اما کودک باید کاملاً آگاه شود تشویق و تنبیه ای که می‌شود برای چیست (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۱۹ و ۲۳۸).

آن‌چنان‌که مشاهده می‌شود، بررسی تحلیل داده‌ها به ۴ مضمون فراگیر و ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده ختم شد که در ادامه به توصیف این مضامین پرداخته می‌شود.

### ۱. عوامل فردی

عوامل فردی به‌عنوان یکی از مضامین فراگیر، عواملی مختص انسان و مرتبط با درون اوست و با توجه به وجوه افتراق انسان با سایر موجودات، استعداد‌های خاص و ساحت‌های ارادی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل، شخصیت اخلاقی فرد را که خود، وجودی دارای اصالت در رویکرد اسلامی دارد در سه حوزه شناخت، عاطفه و رفتار تحت تأثیر قرار می‌دهد. با در نظر گرفتن این موضوع که خانواده مهم‌ترین و نخستین کانون برای شکل‌گیری شخصیت اخلاقی افراد است می‌توان نتیجه گرفت که با توجه و تلاش در جهت تحقق این عوامل می‌توان موجبات تربیت اخلاقی فرزندان را در خانواده فراهم آورد که در ادامه به توضیح پیرامون هر یک از آن‌ها می‌پردازیم. یکی از سه ناحیه تفاوت‌های اصیل و عمیق انسان با جانداران دیگر، ناحیه ادراک و کشف خود و جهان (بینش) است. در واقع در میان استعداد‌های مخصوص انسان در درجه اول استعداد‌های عقلانی است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۸۳). عقل، تفکر، استنتاج و تجزیه و تحلیل است (همان، ص ۳۵) و عقل بودن عقل، به استقلال آن است (همان، ص ۱۸۵). در اینجا منظور از استقلال، آزادی عقل از حکومت تلقینات محیط و عرف و آزادی از



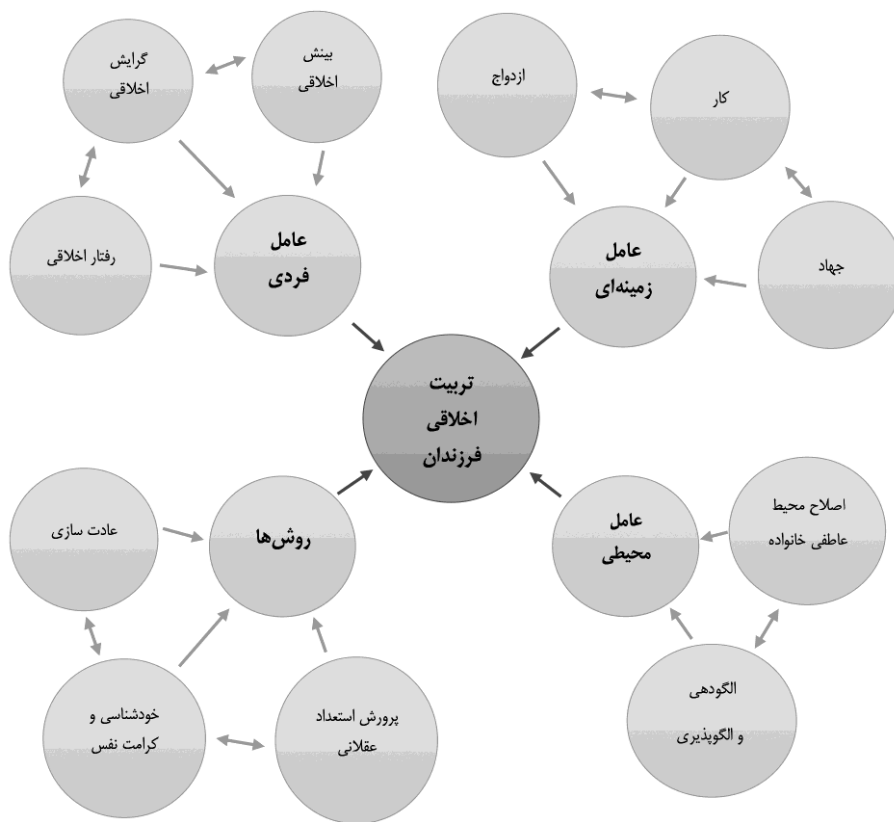
نفوذ سنت‌ها و عادات اجتماعی (همان، ص ۳۵) و تأثیر نپذیرفتن از قضاوت و تشخیص دیگران است (همان، ص ۳۸). دومین ناحیه تفاوت‌ها این است که علاوه بر کشش‌ها و جاذبه‌های مادی که انسان را مثل سایر جانداران به سوی خود می‌کشاند، جاذبه‌های معنوی خاصی انسان را به خود جلب می‌کند. این جاذبه‌ها این امکان را می‌دهد که انسان دایره فعالیتش را از حدود مادیات تا افق عالی معنویت توسعه دهد (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲). گرایش‌های معنوی و والای بشر که زاده دل‌بستگی او به برخی حقایق در این جهان است آنگاه‌که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا می‌کند نام ایمان به خود می‌گیرد (همان، ص ۱۱۸). ایمان برای انسان عشق، امید، جهت و خواسته‌های ماورا منافع فردی و مادی عرضه می‌دارد (همان، ص ۲۱۵). از دیگر تفاوت‌های انسان و حیوان با جماد و گیاه این است که آن دو کارها را با خواست انجام می‌دهند. خواست حیوان، میل غریزی است که در مقابل آن قدرت و مقاومتی ندارد اما انسان قادر است در مقابل میل درونی ایستادگی کرده و این توانایی انسان به حکم نیروی دیگری است که از آن به اراده تعبیر می‌شود (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱) اراده به معنای تسلط بر نفس و مالکیت نفس است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۱۳). پیرامون ارتباط عقل و اراده گفته می‌شود اراده نیرویی است که وابسته به عقل انسان است و هر جا که عقل هست اراده نیز هست (همان، ص ۲۱۳). در واقع اراده قوه اجرایی عقل است (همان، ص ۲۱۵). اراده می‌تواند آنچه عقل به او فرمان می‌دهد انجام دهد نه آنچه میلش می‌کشد؛ بنابراین اخلاق کامل اخلاقی است که بر اساس نیرومندی عقل و اراده باشد (همان، ۱۳۹۸ ج، ص ۵۸).

## ۲. عوامل زمینه‌ای

یکی دیگر از مضامین فراگیر، عوامل زمینه‌ای است که زمینه‌های پرورش استعدادهای فطری را در تربیت اخلاقی فراهم می‌کند و از سویی دیگر تقویت‌کننده عوامل فردی است و می‌توان مشاهده کرد که هر یک بر تمام ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری اثرگذارند. این عوامل خود به سه مضمون سازمان‌دهنده؛ ازدواج، کار و جهاد تقسیم شده است. ازدواج با وجود اینکه پایه طبیعی و شهودی دارد جنبه اخلاقی نیز دارد و در واقع دو نفر به شخصیت یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۶۶). در واقع عامل تشکیل خانواده عاملی اخلاقی است که جانشین نمی‌پذیرد و آن پختگی است که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود (همان، ص ۲۶۷). از سویی دیگر، ازدواج به‌عنوان اولین مرحله خروج از خود فردی انسان و نوعی علاقه‌مندی به سرنوشت دیگران است (همان، ص ۱۶۸).

شهید مطهری درباره کار معتقد است انسان موجودی چند کانونی است و کار برای همه بُعدها ضروری

است (همان، ص ۲۷۸) رابطه انسان و کار، ارتباطی دوسویه است؛ انسان، کار را خلق می‌کند چون فعل و اثر اوست ولی در همان حال، کار هم او را خلق می‌کند و می‌آفریند یعنی در او اثر می‌گذارد (همان، ۱۳۹۸ ب، ص ۳۹). در تأثیر کار سودمند در آثار شهید مطهری به مواردی از قبیل سازنده فکر (همان، ۱۳۹۷، ص ۲۷۵)، حافظ سلامتی (همان، ص ۲۷۷) و مانع قساوت قلب (همان، ص ۲۸۳) می‌توان دست‌یافت. جهاد، آخرین عامل زمینه‌ای، به دو صورت است یک‌شکل آن شدایدی که فرد خود انتخاب می‌کند مانند مبارزه کردن با انسان ضدانسان به خاطر انسانیت که خود نوعی علاقه به انسانیت و علاقه به بشریت است (همان، ص ۱۷۱) و یا واکنش به شدایدی که بدون اختیار و انتخاب انسان بر سرش می‌آید (همان، ص ۲۶۶) در چنین شرایطی، صبر بر حوادث دشوار زندگی مانند این است که حوادث سخت روزگار همچون آرایشگری فرد را زیباتر می‌کند (همان، ۱۳۹۸ ج، ص ۱۳۳).



شکل ۱: شبکه مضامین تربیت اخلاقی فرزندان بر اساس تحلیل آثار شهید مطهری

### ۳. عوامل محیطی

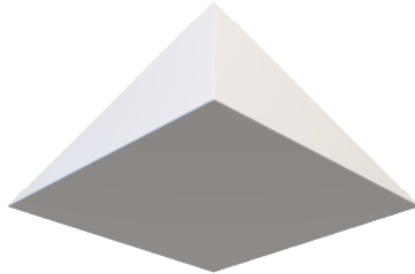
یکی از دلایلی که شهید مطهری کودکی را دوران مناسب برای پرورش استعدادها (تربیت) می‌داند این است که در این دوران در محیطی قرار می‌گیرد که روزه‌روز بر معلومات، افکار، ذوقیات و عواطفش افزوده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۴۸). با این وجود می‌توان دریافت که عوامل محیطی دربرگیرنده مواردی می‌باشند که به علت نقش محیط در تربیت اخلاقی فرزندان باید در نظام خانواده در نظر گرفته شوند و از اهمیت آن‌ها نباید غفلت ورزید. این عوامل خود در دو مضمون سازمان‌دهنده اصلاح محیط عاطفی خانواده و الگودهی و الگوپذیری در ادامه آمده است.

شهید مطهری معتقد است یکی از خلأها، خرابی محیط عاطفی خانواده است. وی در این باره می‌گوید انسان به غذاهای زیادی نیاز دارد که یکی از آن‌ها، غذای عاطفی است. وی پیرامون اصلاح محیط خانواده که جریانات عاطفی آن در تربیت دوران کودکی اثرگذار است به مضمون صمیمیت، صداقت زن و شوهر نسبت به یکدیگر و اعتماد فرزندان به آن‌ها اشاره کرده است و علاوه بر این به لزوم محبت منطقی و مصلحت مدار والدین به فرزندان نیز پرداخته است. شهید مطهری در کتاب‌هایش از دو عامل دیگر به‌عنوان محبت اولیا و انتخاب کتاب و دوست یاد می‌کند. آن‌چنان‌که در نقش محبت اولیا آن را بزرگ‌ترین عامل اصلاح و تربیت انسان دانسته (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶) و تأثیر آن را به مراتب بیشتر از کارهای فکری می‌داند (همان، ۱۳۹۸ ج ۱، ص ۲۵). وی انسان را تحت تأثیر ناخودآگاه دوستان و هم‌نشینان دانسته (همان، ۱۳۹۷، ص ۲۶۱) و به صحبت پیامبر ﷺ که «انسان به دین دوستانش است» استناد کرده است (همان، ص ۲۵۹). از سویی دیگر می‌گوید انسان آن‌قدر وقت و فرصت ندارد که تمام کتاب‌ها دنیا را مطالعه کند و باید انتخاب کند و بهتر است در پایان هر روز به ارزیابی کتاب‌های مطالعه شده و اثری که گذاشته‌اند فکر شود (همان، ص ۲۵۶)؛ بنابراین می‌توان دریافت که این مضامین در فرایند الگودهی به فرزندان و پذیرش تأثیر آن‌ها حتی بیشتر از فرایندهای فکری، فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باید در تربیت اخلاقی فرزندان در خانواده‌ها مدنظر قرار گرفته شوند.

عوامل زمینه‌ای (وجه پشت)

عوامل محیطی

عوامل فردی



روش‌ها (قاعده هرم)

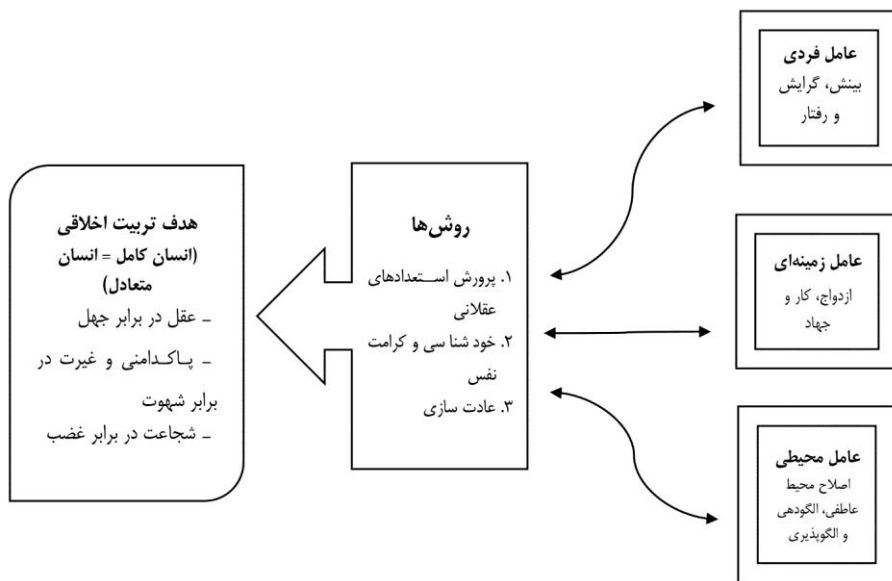
شکل ۲: مضامین فراگیر مرتبط با تربیت اخلاقی استخراج‌شده از آثار شهید مطهری

#### ۴. روش‌های اثرگذار بر تربیت اخلاقی

روش‌های اثرگذار بر تربیت اخلاقی، شیوه‌های عملی است که موجبات تربیت اخلاقی را مهیا می‌کنند و از سویی دیگر، عوامل اثرگذار مطرح‌شده نیز در بستر این روش‌ها بروز می‌کنند. در روش‌های اثرگذار در تربیت اخلاقی سه مضمون سازمان‌دهنده یافت شد که شامل پرورش استعداد اخلاقی، خودشناسی و کرامت نفس و عادت‌سازی بود. در باب پرورش استعدادهای عقلانی شهید مطهری می‌گوید راه تربیتی اسلام پرورش، رشد و استقلال بخشیدن به عقل است نه کوبیدن و خفه کردن و خاموش کردن آن (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۹۴). در واقع قرآن می‌خواهد که انسان راه خودش را به حکم عقل انتخاب کند (همان، ص ۱۹۳) و خود، مستقل از دیگران به راه‌شناسی نائل آید.

پیرامون روش دوم گفته شده است، بزرگ‌ترین سرمایه عالم برای انسان نفس خود انسان است (مطهری، ۱۳۹۸ ج ۱، ص ۱۲۰) و خودشناسی مقدمه پی بردن به راز اصلی جهان یعنی خدا و اخلاق یعنی چگونه رفتار کردن است (همان، ص ۱۵۴). اخلاق در اسلام بر محور خودشناسی و احساس کرامت در خود واقعی است (گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۷۲). شهید مطهری در تعریف خودشناسی می‌گوید عزت نفس، محترم شمردن خود اصیل و واقعی است و اخلاق اسلامی با دست گذاشتن روی یافتن خود واقعی و کرامت نفس، تمام استعدادهای وجود انسان را هماهنگ با هم و بدون افراط و تفریط شکوفا می‌کند (همان، ص ۱۲۹).

در مکتوبات شهید مطهری از عادت‌سازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های اثرگذار در تربیت اخلاقی یاد می‌شود. آنجا که بیان می‌کند برخی عادت‌ها سبب تقویت اراده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۳۸). اراده با عمل و تکرار تقویت می‌شود یعنی سلسله‌ای از عادت‌ها، منشأ قوت اراده می‌شوند (همان، ص ۴۱). او معتقد است این قانون که عادت ضد آگاهی و ضد آزادی است شامل همه عادت‌ها و همه حالات ناشی از تکرار نمی‌شود. عادات بر دو قسم است: عادات فعال و عادات انفعالی. عادات فعال در اثر تمرین و ممارست و عادات انفعالی تحت تأثیر عالم خارجی انجام می‌شود. بسیاری از ملکات نفسانی مثل شجاعت و سخاوت و عفت، عادات فعال است (همان، ۱۳۹۷، ص ۶۰) و عادت کاری را که برحسب طبیعت برای انسان دشوار است آسان می‌کند (همان، ص ۶۱). پس هرچه تمرین انسان زیاد گردد کار سهل‌تر و ساده‌تر می‌شود (همان، ص ۱۳۳). بنابراین می‌توان دریافت که عادات انفعالی، مناسب ایام کودکی است چراکه زمینه‌سازی برای تربیت اخلاقی در این دوران از اهمیت بسیاری برخوردار است و فرد با انعطاف‌پذیری بیشتری تحت تأثیر محیط تربیتی خویش قرار می‌گیرد و عادات فعال مناسب تربیت در ایام نوجوانی و جوانی است چراکه آزادی و آگاهی نقش مهمی را در انتخاب افعال اخلاقی ایفا می‌کنند.



نمودار ۱: عوامل و روش‌های مؤثر تربیت اخلاقی فرزندان در تحلیل آثار شهید مطهری



## بحث و نتیجه‌گیری

تربیت اخلاقی در آثار شهید مطهری به معنای پیروزی درجات عالی انسان بر امیال حیوانی اوست؛ بنابراین هدف این پژوهش تبیین عوامل و روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی فرزندان بود تا استعداد‌های فطری که خاص انسان است با در نظر گرفتن عوامل مؤثر در آن‌ها پرورش یابد و با انجام روش‌های تربیت اخلاقی، امکان رشد بیشتر و به فعلیت درآوردن آن‌ها فراهم شود. روش‌های تربیت اخلاقی از منظر شهید مطهری، علاوه بر تأثیر بر حوزه عوامل فردی بر سایر روش‌ها و حوزه‌ها نیز اثرگذار است و کاملاً رابطه دوسویه میان آن‌ها برقرار است. برای نمونه شهید مطهری می‌گوید انسان می‌خواهد تصمیم بگیرد عادت کند تا قبل از انجام کار، فکر کند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۸) و یا گناه نکردن و اجتناب از گناه، ملکه او شده و جزء شخصیت او شده باشد و واقعاً از گناه تنفر پیدا کند (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۹۸). در این نمونه با آنکه روش عادت‌سازی در حوزه رفتاری مدنظر قرار می‌گیرد اما در حوزه‌های بینش و گرایش‌ها نیز اثرگذار بوده و آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.



۴۳

عوامل و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری...

در بررسی ادبیات پژوهشی در این زمینه، پژوهش ناروازی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) به دنبال رویکردی با عنوان تربیت اخلاقی ترکیبی بوده و در آن به استدلال فکری، تعهد به عدالت و آموزش شهروندان با منش‌های خاص تأکید داشته است. وی بدین منظور ۵ گام اساسی برای پرورش اخلاقی افراد ذکر کرده است که شامل برقراری رابطه‌ای غمخوارانه در گام اول، برقراری فضای حمایتی در مدرسه، منزل و اجتماع برای کسب شخصیت اخلاقی در گام دوم، پرورش مهارت‌های اخلاقی در گام سوم، تسلط بر خویشتن و خودتنظیمی در گام چهارم و در آخر زندگی اخلاقی در متن اجتماع است (ناروازی، ۲۰۰۸). الگوی او با یافته‌های پژوهش پیش رو کاملاً متفاوت است.

در میان نظریه‌های روان‌شناسی، نظریه رشد اخلاقی کلبرگ که شش مرحله در سه سطح اخلاق پیش‌قراردادی؛ اخلاق قراردادی و اخلاق پس‌قراردادی را در برمی‌گیرد، معتقد است رشد اخلاقی اساساً نشئت گرفته از استدلال اخلاقی است که طی مراحل مختلفی از کودکی تا نوجوانی شکل می‌گیرد (کلین، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۸). از منظر کلبرگ، استدلال و داوری‌های اخلاقی تنها با جنبه‌های شناختی ارتباط دارد (جاویدان، دهقان، شمش‌گوشکی و عباسی، ۱۳۹۱). ناروازی در نقد

رویکرد کلبرگ می‌گوید جنبه شناختی افراد برای تربیت اخلاقی شرط لازم است اما کافی نیست و از سوی دیگر رویکرد کلبرگ محتوای روشنی را برای رشد اخلاقی ارائه نمی‌دهد (ناروایز، ۲۰۱۵). کلبرگ قضایای اخلاقی را از قبیل اعتبارات اجتماعی دانسته که بر خواسته از نیازها و احساسات درونی مردم است و با تغییر آن تحول می‌پذیرد (آقا تهرانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰۴). این نظریه کاملاً با یافته‌های این پژوهش تفاوت دارد و ماهیت چندبعدی اخلاق، نقش والدین در رشد اخلاقی فرزندان و نشئت‌گیری اخلاق از فطرت و نه اعتباریات جامعه را نادیده می‌گیرد.

### ۱. عوامل فردی

پژوهش حاضر به عوامل فردی به‌عنوان عواملی که در درون خود فرد است و در سه شاخه بینش، گرایش و رفتار اخلاقی اثرگذار است پرداخته است. عوامل فردی اثرگذار در بینش اخلاقی شامل تفکر مفید، عاقبت‌اندیشی و ابتکار و خلاقیت است. اصفهانی (۱۳۹۵) در پژوهش خویش همسو با تحقیق حاضر نشان داد که یکی از شاخص‌های عقل‌گرایی و تربیت اخلاقی، عاقبت‌بینی عقل است و بیان می‌کند که انسان عاقل همیشه باید عواقب کار خویش را در نظر گیرد. عقل یکی از مؤلفه‌های اصلی در تربیت اخلاقی است و انسان نیازمند اندیشیدن به‌صورت مستقل و منعطف است (صبور، ۱۳۶۷، ص ۵۷) آن‌چنان‌که شهید مطهری در نقش عقل می‌گوید: عقل، قوه عمل در مدرکات است که آن‌ها را از صورت محسوس به‌صورت معقول درمی‌آورد و در معقولات به ترتیب خاصی که استدلال نامیده می‌شود، عمل می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶). در واقع اطلاعات به باورها شکل می‌دهند و بر اساس آن‌ها در زندگی عملی را انجام داده یا عقاید دیگران را بررسی کرده و بهترین تصمیم اخذ می‌شود. بدین منظور می‌توان درست استدلال کردن و خلاقانه اندیشیدن را با تلاش در جهت کشف نادانسته‌ها و مسائل جدید به کمک آموخته‌های قبلی و یافتن ربط مطالب فراهم کرد و تصمیم‌سازی بهتر را در سایه عاقبت‌اندیشی و در نظر گرفتن لوازم و نتایج کارها تقویت کرد و تشخیص سره از ناسره را در مواجهه با انبوه اطلاعات به‌واسطه تفکر مفید که باب‌های جدیدی برای انسان باز می‌کند ایجاد نمود.

عوامل فردی اثرگذار در گرایش‌های اخلاقی شامل حقیقت‌جویی عاری از تعصب و غرور، خیرخواهی اجتماعی، گرایش به زیبایی معقول و معنوی و عشق و پرستش آگاهانه است. پژوهش اصفهانی (۱۳۹۵) در اهداف تعلیم و تربیت که ساختن افراد جامعه انسانی است به پرورش عقل

اشاره کرده است و در آن به تفکر، استدلال، تحلیل، حقیقت‌جویی و روح علمی می‌پردازد که با پژوهش پیش رو متفاوت است. در همین پژوهش همسو با تحقیق حاضر در بیان خواستگاه گزاره‌های اخلاقی می‌گوید در پرتو اعتقاد به خداست که هم احساسات نوع‌دوستانه، تقویت و هم حس زیبایی، پرورش می‌یابد و نیز اعتقاد به روح مجرد و قوه عاقله مستقل از بدن تقویت می‌شود (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۳۶). یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی در تربیت اخلاقی ایمان است که هدفی بالاتر از سطح فردی و دنیایی را برای فرد اخلاقی تعیین می‌کند. در واقع، باور به وجود خدا و تسلیم در برابر او موجب انجام فعالیت‌های زندگی برای کسب رضایت و انجام وظایف در مقابل او می‌شود که موجب خواهد شد ذائقه و گرایش انسان اصلاح شود و به جای پیروی از شهوات و هوای نفسانی که لذات آنی و کوتاه‌مدت را در پی دارد از تقرب به وجودی بالاتر که لذات بیشتر و پایدارتری را در آینده به دنبال دارد، پیروی کند و وجود خویش را توسعه دهد. برای این مهم، حقیقت‌جویی، تلاش برای پیدا کردن حقیقت اصلی (خدا) را به دنبال داشته، خیرخواهی، فراتر رفتن از مرزهای شخصی، ایثار در حق دیگران، ترحم در حق حیوانات، تلاش در جهت حرکت جامعه به سوی کمال در قالب امر به معروف و نهی از منکر را باعث می‌شود. جمال دوستی نیز دیگر در حد امور محسوس نبوده و جستجوی زیبایی معقول و معنوی را در پی دارد و در نهایت شناخت خدا موجبات شکرگزاری و عبادت عاشقانه را در فرد مهیا می‌کند.

عوامل اثرگذار در رفتار اخلاقی شامل عاملیت با جدیت و تصمیم، تقوا و تزکیه نفس با مشارطه و مراقبه، ناکامی، آگاهی از وظایف و سهم‌گذاری در زندگی است. پژوهش برادران، حسنی، داودی و ستاری (۱۳۹۸) همسو با یافته‌های این تحقیق یکی از شیوه‌های ارزشیابی در تربیت اخلاقی را مراقبه و محاسبه دانسته و معتقد است تربی با استفاده از چهار مهارت: مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاقبه با روش خودسنجی به ارزشیابی اخلاقی خود می‌پردازد. یکی دیگر از مواردی که در شخصیت و عملکرد اخلاقی افراد نقش مهمی دارد، اراده است. اراده، محرک عمل آگاهانه و آزادانه برای فرد است و در نتیجه پذیرش نقش خود و قبول کامل مسئولیت را در قبال آنچه رخ می‌دهد به دنبال دارد. از سویی دیگر، علاوه بر نقشی که در انجام کارها دارد در انجام ندادن برخی از رفتارها مانند خشم نیز اثرگذار بوده و مانند کنترلی درونی عمل می‌کند و مانع از این می‌شود که فرد واکنش‌های سریع و ناگهانی از خود بروز دهد؛ بنابراین آگاهی از وظایف، موجب افزایش توجه

و دقت فرد در کارها شده و ناکامی زمینه‌ساز تلاش و صبر برای نتیجه‌گیری می‌شود. از طرفی تقوا و تزکیه نفس با مشارطه و مراقبه امکان توجه و نظارت کامل را بر عملکرد روزانه و هدف‌گذاری‌های جدید و راه‌یابی در طول برنامه تربیت اخلاقی، فراهم می‌کند. عاملیت، با تصمیم و جدیت موجبات باور فرد به اینکه می‌تواند تغییر دهد، انتخاب کند و در صورت اشتباه امید به تغییر و بازگشت داشته باشد را مهیا می‌سازد.

## ۲. عوامل زمینه‌ای

در یافته‌های پژوهش حاضر عوامل زمینه‌ای اثرگذار در تربیت اخلاقی که زمینه‌های پرورش استعداد‌های فطری را در تربیت اخلاقی فراهم کرده و از سویی دیگر تقویت‌کننده عوامل فردی است، ازدواج، کار و جهاد معرفی شده‌اند. برادران و همکاران (۱۳۹۸) متفاوت با این تحقیق، انتخاب همسر پاک‌نیت را به‌عنوان یکی از روش‌های احیای فطرت معرفی کرده است. وی می‌گوید به‌منظور احیای فطرت در تربیت اخلاقی به اجرای روش‌هایی از قبیل انتخاب همسر پاک‌نیت، تأکید بر خودشناسی و آغاز زود هنگام تربیت اخلاقی از کودکی و غیره می‌توان پرداخت. ازدواج آرامش فکری و روحی جوانان را در سایه برقراری رابط عاطفی بسیار نزدیک فراهم کرده و موجبات صیانت اخلاق را مهیا می‌کند (سالاری فر، ۱۳۹۸) و فرد دیگر در اثر فشار نیازهای جنسی به رفتارهای خلاف اخلاق کشیده نمی‌شود. از سویی دیگر فرد با ازدواج کردن، اخلاق و عفت خود را بهتر حفظ می‌کند چراکه علاقه و غیرت نسبت به همسر، زمینه پاک‌دامنی فرد نسبت به نوامیس دیگران را نیز فراهم می‌سازد (نوری، ۱۹۸۸، ج ۱۴، ص ۱۵۰، ۱۵۴ و ۱۵۹).

کار، در تربیت انسان به‌ویژه در ارتباط با نوجوانان و جوانان از اهمیت زیادی برخوردار است (پناهی، ۱۳۸۶) چراکه کار از روی رغبت و علاقه باعث نوعی اعتماد به نفس و آرامش روانی می‌شود (میلانی فر، ۱۳۷۴) و در مقابل، بیکاری موجب می‌شود تا فرد خود را بی‌فایده و کم‌ارزش تلقی کند و گرفتار خودکم‌بینی و کاهش اعتماد به نفس و در نهایت افسردگی شود (مایستون، ۱۳۷۵) بنابراین نقشی که در ارتباط با انسان دارد کاملاً دوطرفه است که هم انسان باید کاری را که در آن استعداد دارد انتخاب کرده تا با علاقه به آن بپردازد و هم کار باعث نشاط مضاعف و تقویت حس ارزشمندی برای جامعه و استقلال در فرد شده و از قساوت قلب وی کم شده و حس همدلی نسبت به سایرین در او ایجاد می‌شود. علاوه بر مواردی که گفته شد انسان در کار، فکرش منطقی شده یعنی روابط علت و معلولی را لمس کرده و فکرش با قوانین

عالم منطبق می‌شود (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۸۳).

آن‌چنان‌که گفته شد جهاد در دو شکل در تربیت اخلاقی اثرگذار است. یکی از آن‌ها، عکس‌العمل در مقابل سختی‌ها و مشکلات زندگی است که فرد بدون خواست و اراده خویش با آن‌ها مواجه می‌شود. نگاه به این‌ها به‌عنوان آرایشگری که زیباتر شدن روح و رشد شخصیت را در پی دارد باعث صبر، افزایش قدرت تاب‌آوری، عدم واکنش‌های صرفاً هیجانی، تلاش برای سازگاری با شرایط جدید و پذیرش در صورت عدم توانایی تغییر، خواهد شد. از سوی دیگر، باور به حیات اخروی و دریافت پاداش و جزا و ثبت اعمال در پیشگاه خدا این نوع جهاد را در نظر فرد دارای ارزش‌های معنوی می‌سازد و تحمل آن را به‌جای سختی همراه با شیرینی می‌کند. در نوع دوم، فرد به خاطر علاقه به انسانیت با ضدانسان مقابله می‌کند و با خواست و اراده خویش اعمالی را انتخاب می‌کند که موجبات توسعه شخصیت اخلاقی، آگاهی، تصمیم‌گیری ارادی و خودکنترلی را فراهم می‌آورد.

### ۳. عوامل محیطی

عوامل محیطی اثرگذار در تربیت اخلاقی فرزندان که به علت نقش محیط در تربیت اخلاقی فرزندان معرفی شدند شامل اصلاح محیط عاطفی خانواده و الگودهی و الگوپذیری بودند. کلین و اسمتانا (۱۳۸۹) همسو با یافته‌های پژوهش حاضر در کتاب خویش بیان می‌کنند که روابط عاطفی با اعضای خانواده برای رشد رفتارها و ادراکات اخلاقی، امری محوری است. فرزندان که در خانواده‌هایی بر پایه صمیمیت و محبت رشد می‌کنند به انحرافات اخلاقی و اجتماعی کمتری برای ارضای نیازهای عاطفی خویش متوسل می‌شوند. از سویی دیگر خانواده، نخستین محلی است که در آن ارزش‌های اخلاقی مثل صداقت، تعهد و وفاداری معنا می‌شود و اگر فرزندان از نزدیک شاهد صداقت، صمیمیت و اعتماد والدین خود باشند، آن را آموخته و تمرین می‌کنند. هم‌چنین باید در نظر داشت که محبت در حد اعتدال، در اصلاح رفتار و برخورداری از سجایای بلند اخلاقی نقش مهمی دارد و ابراز محبت نسبت به فرزندان در حد افراط و تفریط، خسارت‌بار است. عدم توجه عاطفی به کودکان، باعث تشدید حالت پرخاشگری و نیز تقویت روحیه خیال‌بافی، انزوا و عقده حقارت در کودکان می‌شود و باعث می‌شود تا به خاطر جلب محبت دیگران، به خواست آن‌ها تن دهند. اما از سویی دیگر، والدینی که در مقابل خواسته‌های نامعقول فرزندان سر تسلیم فرود می‌آورند، حس خودپسندی را در آن‌ها تقویت کرده و روحیه مقاومت در مقابل ناملایمات زندگی



را تضعیف می‌کنند. رابطه عاطفی صحیح والدین با فرزندان که در این پژوهش در قالب محبت منطقی و مصلحت مدار معرفی شده است تأمین‌کننده سلامت و بهداشت روانی فرزندان و زمینه‌ساز بروز استعدادها در آنها است. محبت منطقی مصلحت مدار، امکان تجربه و مشاهده عاقبت کارها را برای فرزندان مهیا کرده و حس مسئولیت‌پذیری را در آنها تقویت می‌کند. امروزه روان‌شناسان تعلیم و تربیت اذعان دارند که مهم‌ترین نوع یادگیری انسان یادگیری مشاهده‌ای (سرمشق‌گیری) است که در آن فرد با انتخاب الگو به تقلید رفتار آن می‌پردازد (سیف، ۱۳۷۰). تأثیر الگودهی و ارائه الگو در نقش‌پذیری و همانندسازی، امری اجتناب‌ناپذیر است. از این رو بهره‌گیری از الگو و پیروی از اولیاء الهی که به علت ویژگی‌های متعدد اخلاقی شایستگی الگو شدن را دارند موجبات باور به عملی بودن فضایل اخلاقی را با مشاهده مصداق عینی و ایجاد سبک زندگی اخلاقی با همانندسازی مهیا می‌کند. بر اساس این پژوهش، علاوه بر اولیا الهی، دوستان و کتاب‌ها نیز در نقش الگو عمل کرده چراکه فرد به تدریج شبیه به دوستان خود شده و کتاب‌ها و دوستان‌ها به الگوسازی برای فرزندان می‌پردازند.

#### ۴. روش‌ها

روش‌ها، شیوه‌های عملی برای تربیت اخلاقی فرزندان است که در سه مضمون پرورش استعداد‌های عقلی، خودشناسی و کرامت نفس و عادت‌سازی یافت شدند. پژوهش برادران و همکاران (۱۳۹۸) همسو با این تحقیق در بیان روش‌های احیای فطرت، بر خودشناسی و شناساندن گوهر وجود، تقویت عقل فطری، استمرار رفتار صالح، کسب ملکه فضیلت و اصلاح محیط تأکید کرده است (وجدانی، ۱۳۹۱). هدف تربیت اخلاقی پرورش انسانی است که استعداد‌های درونی (عقلی و علمی، دینی، اخلاقی و زیبایی) رشد را متعادل کرده و در پرورش هیچ‌یک افراتوتفریط نکرده باشد. این انسان کامل (انسان متعادل)، در حوزه بینش، عقل بر جهلش فائق آمده، در حوزه گرایش‌ها، پاک‌دامنی بر شهواتش پیروز شده و در رفتارش، شجاعت بر غضبش غلبه کرده است؛ بنابراین می‌توان دریافت که برای رسیدن به هریک از موارد گفته‌شده باید روش‌هایی پیشنهاد شود که نه تنها در حوزه خود اثرگذار است بلکه در تضاد با سایر روش‌ها نبوده و آن‌ها را نیز تقویت کند. در روش پرورش استعداد‌های عقلی به مضامین تشویق به تفکر در طبیعت، تاریخ ملل گذشته و ضمیر انسان، امکان پرسش سؤالات و سنجش آمادگی قبل از پاسخ‌گویی، نقد و تجزیه و تحلیل، استدلال برای قبول صحبت‌ها اشاره شد که در پژوهش اصفهانی (۱۳۹۵) همسو با پژوهش پیش

رو در پرورش عقل و عقل‌گرایی به تفکر، استدلال و تحلیل نیز پرداخته شده است. وی بیان می‌کند که در تعلیم و تربیت باید مجال فکر کردن به دانش آموز داده و وی ترغیب به تفکر گردد و معلم باید علاوه بر آموزش دانش آموز، نیروی فکر و استدلال او را نیز پرورش دهد. انسان اگر بخواهد به گونه‌ای متعادل تمامی ابعاد خویش را رشد دهد، باید با حاکمیت عقل انجام دهد. آن‌چنان‌که جوادی آملی (۱۳۷۷، ص ۷۰) می‌گوید: عقل، عقل نامیده شده است زیرا غضب و شهوت سرکش را مهار و عقل می‌کند. افرادی که از عقل خویش استفاده می‌کنند گوینده‌هایی متفکر و منطقی و در عین حال شنوندگانی فعال‌اند که به راحتی فریب دیگران را نخورده و جذب گروه‌ها و افراد نمی‌شوند. این افراد روحیه پرسشگری داشته و قضاوت آن‌ها به دور از تعصب و لجبازی بوده و نسبت به مسائل دید وسیع و دقیقی دارند؛ بنابراین می‌توان دریافت که اگر آدمی در طول حیات خویش عقل را رشد دهد و راه‌های تقویت و افزایش قوه تشخیص و تمیز را کشف کند به سر منزل مقصود که همان غلبه عقل بر جهالت به‌عنوان بعدی در تربیت اخلاقی است خواهد رسید. بدین منظور تفکر در طبیعت موجبات شناخت خداوند را به‌عنوان راز اصلی جهان و کشف جهان فراهم می‌سازد. از سویی دیگر تفکر در اقوام گذشته فرد را با سرگذشت و عاقبت کارهای انجام‌شده آن‌ها آشنا می‌سازد و تفکر در ضمیر و کارهای انسان موجبات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مجدد و سنجش میزان هماهنگی اهداف با تصمیمات گرفته‌شده را فراهم می‌کند. فراهم کردن امکان و تشویق به پرسش سؤالات در جوی امن و قبل از پاسخ به سؤالات سنجش میزان آمادگی می‌تواند تضمینی برای عمل به آنچه فرد می‌شنود و اندیشیدن بیشتر درباره ابهامات و سؤالات باشد. نقد و تحلیل مسائل برای اطلاعات دریافتی و دلیل خواهی برای آنچه گفته می‌شود در نهایت فراهم‌کننده موجبات استقلال عقلی و عدم تسلیم ناگهانی در مقابل اطلاعات فراوانی است که حق و باطل در آن به هم آمیخته است.

پیرامون خودشناسی و کرامت نفس به مضامین درون‌نگری، توصیه، عبادت بر مبنای محبت‌ورزی به خدا و انقطاع به ذات پروردگار دست یافتیم. پژوهش شهریاری و شرفی (۱۳۹۳) همسو با این تحقیق در مسیر احیا احساس کرامت نفس به خودشناسی اشاره کرده و بیان می‌کند که مربی برای احساس کرامت نفس باید معرفت نفس (خودشناسی) کسب کند و از سوی دیگر، عبادت را یکی از روش‌های تحصیل کرامت اکتسابی می‌داند که این نوع کرامت ملاک تقرب در پیشگاه خدا است. در واقع، توانمندی‌های مادی و معنوی بسیاری به انسان عطا شده است که انسان



با شناخت و توجه به آن‌ها از طریق درون‌نگری، احساس ارزشمندی (کرامت نفس) خواهد کرد و انسان را در جهت کسب فضایل و زدودن رذایل اخلاقی برخواهد انگیخت (فروهش، مه‌کام و همت‌بناری، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، نزدیکی و اتصال به قدرت مطلق خداوند به‌عنوان منشأ تمام توانمندی‌ها و ارزشمندی‌ها در قالب عبادات، عزت‌نفسی را موجب شده که غفلت و خودپسندی در آن راه ندارد. از طرف دیگر، تقویت عزت‌نفس در فضای سرشار از محبت و آرامش خانواده زمانی محقق می‌شود که علاقه‌مندی والدین به علت ارزشمندی ذاتی انسان و نه صرفاً علل قراردادی مثل رابطه والد - فرزندی بوده و توصیه فرزندان به کسب فضایل و دوری از رذایل به علت ارزشمندی گوهر وجودی آن‌ها باشد. در چنین شرایطی درک این نکته که فرزندان در نگاه والدین موجوداتی ارزشمندند که با اشتباهات آن‌ها این ارزش زایل نمی‌شود، باعث غلبه پاک‌دامنی بر شهوات خواهد شد.

در این پژوهش روش عادت‌سازی با مضامین؛ تجربه عملی برای کسب شجاعت و تمرین صبر و تشویق و تنبیه عادلانه معرفی شد. در تحقیق برادران و همکاران (۱۳۹۸) همسو با این پژوهش، از تمرین و تکرار برای رسیدن به عادات مثبت اخلاقی یاد کرده و بیان می‌کند که باید زمینه تکرار و تمرین انجام بسیاری از فضایل اخلاقی برای کودکان فراهم شده تا زمینه‌ساز شکل‌گیری عادات مثبت در آن‌ها شود و برای جلوگیری از شکل‌گیری عادات منفی باید زمینه و بستر تمرین و تکرار رذایل فراهم نشود. همچنین در تحقیق شهریاری و شرفی (۱۳۹۳) تشویق را یکی از روش‌های احیای احساس کرامت نفس دانسته و معتقد است در فرایند تربیت اخلاقی باید روش توجه دادن متری به کرامت و شرافت نفس را مدنظر قرار داد که روش‌های جزئی آن شامل تغافل، تشویق، تأیید رفتار نیک، زمینه‌سازی در محیط، تحقیر رذایل و تحسین فضایل است که با یافته‌های این پژوهش متفاوت است. ثبات اخلاقی که در تربیت اخلاقی به دنبال آنیم یعنی پایدار کردن صفات اخلاقی نیکو در فرد، به تدریج حاصل می‌شود، چنان‌چه شهید مطهری در این باره می‌گوید: حالات روحی آرام‌آرام ملکه می‌شود و برگرداندن آن دشوار است (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۵۷). وقتی انسان، عملی را به‌طور مستمر تکرار کرد به تدریج به آن خو کرده و بین انسان با عمل مزبور، الفت خاصی پیدا می‌شود و آن را ادامه می‌دهد. ممکن است انجام عملی برای انسان در آغاز، دشوار و حتی ناگوار باشد ولی بعد از تکرار و حصول عادت، آسان و گوارا می‌گردد. از جمله روش‌هایی که ادامه و تکرار عمل را تقویت می‌کند تشویق است که در نقش تقویت مثبت عمل می‌کند آن‌چنان‌که اسکینر



نیز معتقد بود هر نوع پاداش که باعث افزایش تکرار دفعات رفتار شود تقویت‌کننده محسوب می‌شود. از دیگر روش‌ها برای جلوگیری از شکل‌گیری صفات اخلاقی ناپسند (رذایل اخلاقی) تنبیه عادلانه است که موجبات خاموشی در رفتار را فراهم می‌کند. از ویژگی‌های تنبیه عادلانه این است که از راه ترساندن، زدن و تهدید نباشد و فرزند حتماً از دلیل تنبیه مطلع شود تا به احساس امنیت و اعتماد وی در خانواده صدمه‌ای وارد نشود و علت تنبیه را، نتیجه کار خود و نه شخصیتش بداند. بدین منظور بهتر است والدین تحمل و صبر داشته و فوراً در مقابل اشتباهات عکس‌العمل نامناسب و هیجانی نشان ندهند و در مقابل، کارهایی عاقلانه انجام دهند. باید توجه داشت که ملکه‌سازی صفات اخلاقی از طریق عادت‌سازی‌های فعال امکان‌پذیر است که این امر پس از عادت‌سازی انفعالی در دوران کودکی و بر اساس فراهم کردن بستر تکرار و تمرین فراهم می‌شود. عاداتی که از سر عدم آگاهی و انتخاب تکرار شوند در ایام نوجوانی و بزرگسالی که قوه عقل پرورش می‌یابد از ارزش فضایل اخلاقی می‌کاهد. برای رسیدن به این مقصود فراهم کردن زمینه تجربه عملی برای تمرین صبر و کسب شجاعت که تقویت‌کننده اراده فرد و مبتنی بر انتخاب و آگاهی او از ارزش واقعی اعمال اخلاقی است، اهمیت پیدا کرده و باعث غلبه شجاعت بر غضب می‌شود (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۳). پژوهش دهدست، اسمعیلی و فرح‌بخش (۱۳۹۸) تربیت اخلاقی در انسان را تحت تأثیر سه مؤلفه عوامل محیطی غیرذاتی (متأثر از نظام محیطی و اجتماعی که فرزند در آن به سر می‌برد) صفات طبیعی ذاتی (متأثر از نظام خلقتی که فرزند با آن به دنیا می‌آید) و درنهایت صفات اخلاقی خودساخته (متأثر از نظام افعال ارادی در فرزند) می‌داند و نظام افعال ارادی را نیز تحت تأثیر سه عامل اعتقاد به‌درستی و نادرستی کارها، رغبت به منافع و ترس از ضررها و ملکه‌های خلقی در انسان می‌داند که با یافته‌های این پژوهش تفاوت دارد. از برآیند مطالعات در زمینه تربیت اخلاقی فرزندان می‌توان دریافت که الگوی واحدی در این زمینه وجود ندارد و نتایج به‌طورکلی تنها حاکی از موارد مشابهی میان تحقیقات مختلف است.

یافته‌های پژوهش مبتنی بر تحلیل مضامین آراء شهید مطهری بیانگر این مطلب است که در تربیت اخلاقی فرزندان با هدف طی کردن مسیر تکاملی انسان از حیوانیت به سوی انسان کامل که همان انسان اخلاقی است، ۳ عامل اثرگذار فردی (بینش اخلاقی، گرایش‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی)، زمینه‌ای (ازدواج، کار و جهاد) و محیطی (اصلاح محیط عاطفی خانواده و الگودهی و الگوپذیری) در کنار سه روش مؤثر در تربیت اخلاقی شامل پرورش استعدادهای عقلانی، خودشناسی و کرامت نفس و



عادت‌سازی در محیط خانوادگی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در پایان از آنجاکه یافته‌های این پژوهش حاکی از وجود ظرفیت‌های فراوان تعلیمات دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین که تمام جنبه‌های انسان را پوشش داده است، پیشنهاد می‌شود مشاوران و روان‌شناسان از طریق در نظر گرفتن عوامل و روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی، به تدوین الگوی مفهومی تربیت اخلاقی فرزندان از منظر شهید مطهری اقدام کرده و تأثیر آن را در فرزندان در قالب پژوهشی آزمایشی بررسی کنند.

### فهرست منابع

- آقاتهرانی، مرتضی؛ ساجدی، ابوالفضل؛ بی‌ریا، ناصر؛ زارعان، محمدجواد؛ مصباح، علی و رهنمایی، سید احمد (۱۳۹۰). روان‌شناسی رشد: با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.
- اصفهان‌ی، مریم (۱۳۹۵). بررسی ماهیت تربیت اخلاقی از منظر استاد شهید مطهری. پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران. برادران، ابوالقاسم؛ حسنی، محمد؛ داودی، محمد و ستاری، علی (۱۳۹۸). تربیت اخلاقی علامه طباطبایی علیه السلام با تأکید بر مبانی، هدف، محتوا، روش و ارزشیابی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷(۴۳)، ص ۵۷ - ۷۶.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۸). خانواده در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پناهی، علی احمد (۱۳۸۶). اشتغال؛ آثار تربیتی و روان‌شناختی. معرفت، ۱۱۹، ۱۳ - ۳۲.
- جاویدان، فاطمه؛ دهقان، محمدصادق؛ شمسی‌گوشکی، احسان و عباسی، محمود (۱۳۹۱). تحلیل نظریه رشد اخلاقی کلبرگ با رویکرد قرآنی. اخلاق زیستی، ۲(۶)، ۱۱ - ۴۸.
- جنابادی، سارا؛ جنابادی، سجاد (۱۳۹۹). بررسی وجوه تمایز اخلاق و تربیت و معیار اخلاقی زیستن از منظر شهید مطهری، مجله پیشرفت نوین در روان‌شناسی. علوم تربیت و آموزش و پرورش، ۳(۳۱)، ص ۱۲۷ - ۱۳۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- حمله‌داری، سعیده و موسوی‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۹). ساخت و اصلاح شخصیت اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مرتضی شهید مطهری. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۸(۱۴)، ص ۱۶۵ - ۱۸۲.
- داوودی، محمد (۱۳۸۵). رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی، پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی)، ۲(۲)، ۱۷۵ - ۱۵۳.

دهدست، کوثر؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۸). طراحی الگوی مفهومی و عملی تربیت منش اخلاق محور بر اساس افق علامه طباطبایی، رویکردی نوین در عرصه فرزندپروری. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۳(۴)، ۲ - ۱۲.

سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۸). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. تهران: سمت.

سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۰). روان‌شناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه.

شهریاری، محمد و شرفی، محمدرضا (۱۳۹۳). الگوی تربیت اخلاقی اسلامی با محوریت کرامت نفس، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۳، ۵۶ - ۲۷.

صبور اردوباری، احمد (۱۳۶۴). عقل و علم در فرهنگ اسلامی. تهران: هدی.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدحسین؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ص ۱۵۱ - ۱۹۸.

فروش، محمد؛ مهکام، رضا و همت‌بناری، علی (۱۳۹۶). نقش و جایگاه عزت‌نفس در تربیت اخلاقی. معرفت، ۲۳۹.

کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۳). برنامه درسی و تربیت اخلاقی (با نگاهی بر آثار علامه مصباح یزدی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

کلین، ملانی و اسمتانا، جودیت (۱۳۸۹). رشد اخلاقی. ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده قمی، علیرضا شیخ شعاعی و سید رحیم راستی‌تبار، قم: مرکز اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱). کافی. ترجمه محمدرضا انصاری‌محلاتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اهل‌بیت.

گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام (۱۳۸۹). سرشت و سرنوشت. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۰). روان‌شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی. حوزه و دانشگاه، ۲۹، ۹۶ - ۶۱.

مایستون، استفانی (۱۳۷۵). معجزه تشویق. ترجمه توران‌دخت، تهران: علمی.

مدور، معصومه؛ بهشتی، سعید و فرمینی‌فراهانی، محسن (۱۳۹۹). مبانی تربیت اخلاقی در نظریه انسان‌شناسی شهید مطهری، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۸، ۵ - ۳۰.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.



- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸ الف). ده گفتار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸ ب). فطرت و تربیت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۸ ج). فلسفه اخلاق. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). یادداشت‌های استاد شهید مطهری. تهران: صدرا.
- میلائی فر، بهروز (۱۳۷۴). بهداشت روانی. تهران: قومس.
- نوری طبرسی، حسین (۱۹۸۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: نشر مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- وجدانی، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیل مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه و ارائه الگوی نظری جهت کاهش شکاف میان معرفت و علم اخلاق. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- هاشمی، جعفر (۱۴۰۰). تربیت اخلاقی از منظرهای فلسفی.

<http://jafarhashemlou.blogfa.com/post/1955>

- Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development. sage.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative research in psychology, 3(2), 77-101.
- King, N., Horrocks, C., & Brooks, J. (2018). Interviews in qualitative research. sage.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic Inquiry, Beverly Hills, CA: sage publications.
- Narvaez, D. (2008). Human flourishing and moral development: Cognitive and neurobiological perspectives of virtue development. In Handbook of moral and character education (pp. 326-343). Routledge.
- Narvaez, D. (2006). Integrative Ethical Education. In M Killen & J. Smetana (Eds), Handbook of moral Development, Mahwah, NJ: Erlbaum, 703-733.
- Patton, M. Q. (1990). Qualitative evaluation and research methods. SAGE Publications, inc.



۵۴

پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی | پاییز و زمستان ۱۴۰۰